تهدید و ضرب‌الاجل واشنگتن به مسکو

جنگ روانی ناشیانه ترامپ

معصومه محمدی
کارشناس مسائل روسیه

تحرک هسته‌ای اخیر و ضرب‌الاجل ترامپ به روسیه را باید به‌عنوان ابزار چندلایه روانی، سیاسی و ژئوپلیتیکی تحلیل کرد. این موضع‌گیری در امتداد همان سیاست‌های سابق ترامپ در قبال ایران، چین و منطقه است؛ ادعاهای بزرگ، فشار روانی و تضعیف نهادهای بین‌المللی. سال گذشته و در فضای آشفته رقابت‌های انتخاباتی ایالات متحده، دونالد ترامپ با تاکتیکی حساب‌شده، وعده‌ای پرسروصدا را مطرح کرد: «در صورت انتخاب مجدد، جنگ اوکراین را در کمتر از ۱۰ روز به پایان می‌رسانم».

در نگاه اول، این ادعا شاید صرفا یک شعار انتخاباتی پررنگ به نظر می‌رسید، اما باروی کارآمدن ترامپ ادعاهای انتخاباتی او را می‌توان نشانه‌ای از نوعی مهندسی چندوجهی قدرت، فشار روانی و بازی با مفاهیم نظم بین‌المللی تلقی کرد.

ترامپ که در چهارسال نخست ریاست جمهوری‌اش نشان داد به اصول نهادهای بین‌المللی، موازنه‌های کلاسیک قدرت و قواعد متعارف دیپلماسی بی‌اعتناست، این بار هم سعی دارد با تلفیق فشار روانی، ائتلاف‌سازی درون غربی و بهره‌برداری از ضعف اروپا، خود را به‌عنوان تنها راه‌حل ساز بحران اوکراین معرفی کند؛ حال آن که ناکارآمدی آمریکا در حل بحران‌هایی چون غزه، ایران و حتی بحران داخلی‌اش با چین، این ادعا را بیش از پیش زیر سؤال می‌برد.

ترامپ و مهندسی فشار حداکثری بر روسیه از مسیر روانی - رسانه‌ای

یکی از شناخته‌شده‌ترین روش‌های ترامپ در مذاکرات، از دهه‌ها فعالیت تجاری تا ریاست جمهوری، استفاده از تاکتیک «چانه‌زنی از موضع تهدید» است. او غالبا تقاضایی حداکثری را مطرح می‌کند تا در نهایت با امتیازی کمتر، اما به ظاهر «صلح طلبانه» و «کارآمد»، چهره‌ای موفق از خود بسازد. در ادبیات غربی، این تکنیک را هنر توافق ArtoftheDeal می‌نامند؛ اما در واقع نوعی تحمیل روانی به حریف برای امتیازدهی در شرایط ضعف است.

در ماجرای اوکراین، ترامپ به وضوح از همین روش بهره می‌برد. ضرب‌الاجل ۱۰ روزه‌ای که مطرح می‌کند، نه تنها از نظر سیاسی و میدانی واقع‌بینانه نیست، بلکه هدف اصلی آن تحمیل یک فشار روانی و محاسباتی به کرملین است.

در اظهارات مربوط به اعزام دو زیردریایی هسته‌ای آمریکا به مناطق راهبردی نزدیک به قلمرو روسیه نیز هدف همان است که گفته شد. اینکه روسیه باید خود را برای مواجهه با نسخه‌ای از «فشار ترامپیسم» آماده کند که به مراتب غیرقابل پیش‌بینی‌تر و تهاجمی‌تر از سیاست بایدن خواهد بود. افزون بر این، ترامپ با این موضع‌گیری می‌کوشد چنین القا کند که پایان جنگ، نه تابع توازن قدرت نظامی در میدان یا تصمیمات اروپا و کی‌یف، بلکه صرفا تابع اراده واشنگتن است. این رویکرد، باوری خطرناک و مبتنی بر نفی نقش سایر بازیگران در نظام بین‌الملل است که در نهایت به یکجانبه‌گرایی عریان ختم می‌شود.

> روبکرد ترامپ نه تنها کمکی به پایان بحران اوکراین نمی‌کند، بلکه می‌تواند وضعیت را پیچیده‌تر و شکننده‌تر کند. او نه بر مبنای حل واقعی منازعه، بلکه بر پایه تحمیل سیاسی، بهره‌برداری رسانه‌ای و مهندسی محاسباتی عمل می‌کند

ائتلاف‌سازی درون غربی با مقصرنمایی روسیه؛ بازتعریف رهبری بحران‌ساز آمریکا

استفاده ترامپ از بحران اوکراین به‌عنوان ابزار ائتلاف‌سازی جدید درون غرب؛ درواقع، ترامپ با طرح اولتیماتوم پایان جنگ، سعی دارد نقش رهبری بحران‌ها را از رئیس جمهورهای قبلی گرفته و با «مقصرنمایی روسیه» دوباره اروپا را گرد آمریکا جمع کند. این راهبرد تلاشی است برای احیای رهبری آمریکا در ساختار آشفته غرب پس از جنگ اوکراین، خروج پرهزینه از افغانستان و شکست‌های پی‌درپی در خاورمیانه. او با القای این تصویر که آمریکا «اگربخواهد» می‌تواند هر بحرانی را حل کند، کشورهای اروپایی را در موقعیتی قرار می‌دهد که چاره‌ای جز همراستاشدن با رویکرد ترامپی در قبال روسیه نداشته باشند.

ازسوی دیگر، باید توجه داشت که واقعیت‌های میدانی، این تصویر ترامپ را تأیید نمی‌کند. ایالات متحده طی دو دهه اخیر نتوانسته در افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، یمن و حتی فلسطین به نتایجی ملموس برسد. امروز نیز در مسئله غزه، علی‌رغم قدرت‌نمایی نظامی رژیم صهیونیستی و حمایت بی‌قیدوشرط واشنگتن، هیچ یک از اهداف ادعایی محقق نشده‌اند. بااین حال، ترامپ تلاش دارد با نادیده گرفتن این شکست‌ها، چهره‌ای مقتدر و کارآمد از خود در حل بحران‌ها ارائه دهد. این همان تصویری است که هدف اصلی‌اش بازسازی روانی و ژئوپلیتیکی جایگاه آمریکا در غرب است، نه حل واقعی منازعه در اوکراین.

بازی با آتش در نظم جهانی

ترامپ در دوره پیشین ریاست جمهوری خود، بارها نشان داد که علاقه‌ای به قواعد بین‌المللی ندارد. خروج از برجام، خروج از یونسکو، بی‌اعتنایی به شورای حقوق بشر سازمان ملل و حمایت کامل از سیاست‌های تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی در منطقه، همگی نشانگر این رویکرد ساختارشکنانه او در قبال نظم جهانی بوده است. اعلام یک مهلت ۱۰ روزه برای پایان جنگ، بدون ارجاع به نهادهای بین‌المللی، بدون توجه به اراده دولت‌ها و بدون عنایت به دینامیک‌های میدانی، نقض آشکار اصول حل‌وفصل منازعات بین‌المللی است. ترامپ عملا می‌گوید: «من تصمیم می‌گیرم که کی جنگ شروع یا تمام شود»؛ گویی سایر بازیگران، صرفا مهره‌هایی در شطرنج قدرت واشنگتن‌اند.

در این میان، اروپا نیز بازیچه این نگرش تحقیرآمیز قرار می‌گیرد. ترامپ در واقع با چنین مواضعی، نقش اروپا را در بحران اوکراین کم‌اهمیت جلوه داده و آن را تنها ابزاری برای اعمال فشار اقتصادی و روانی بر روسیه قلمداد می‌کند. این بی‌اعتنایی به استقلال تصمیم‌سازی اروپایی‌ها، زمینه‌ساز شکاف‌های ژرف‌تر در درون ناتو و ساختار اتحادیه اروپا خواهد شد. درصورتی‌که اروپا بخواهد از ترامپ تبعیت کند، باید بپذیرد که صرفا یک پیمانکار اجرای سیاست‌های ضدروسی کاخ سفید است و اگر نپذیرد، در معرض تهدیدات اقتصادی یا اتهام به «همراهی با دشمن» قرار می‌گیرد. این همان بازی دوسر باختی است که آمریکای تحت هدایت برای متحدانش طراحی کرده است. به طورکلی می‌توان چنین گفت که اولتیماتوم ۱۰ روزه ترامپ را باید به‌عنوان یک ابزار چندلایه روانی، سیاسی و ژئوپلیتیکی تحلیل کرد.

این موضع‌گیری در امتداد همان سیاست‌های سابق ترامپ در قبال ایران، چین و خاورمیانه است. ادعاهای بزرگ، فشار روانی، تضعیف نهادهای بین‌المللی و نهایتا وانمودسازیِ قدرتی که در واقعیت فاقد پشتوانه عملی است. رویکرد ترامپ نه‌تنها کمکی به پایان بحران اوکراین نمی‌کند، بلکه می‌تواند وضعیت را پیچیده‌تر و شکننده‌تر کند. او نه بر مبنای حل واقعی منازعه، بلکه بر پایه تحمیل سیاسی، بهره‌برداری رسانه‌ای و مهندسی محاسباتی عمل می‌کند. درنهایت، آنچه ترامپ به دنبال آن است، نه صلح، بلکه تسلط بر روایت صلح است؛ اینکه در ذهن نخبگان غربی و افکار عمومی جهانی این تصور شکل گیرد که تنها با بازگشت او به قدرت، صلح و ثبات ممکن خواهد بود. چنین نگاهی نه‌تنها یک توهم خطرناک است، بلکه به تضعیف بیشتر نظم جهانی، بی‌اعتباری حقوق بین‌الملل و افزایش شکاف‌ها در ساختار قدرت جهانی خواهد انجامید.

ما مسئول خبط گروسی نیستیم!

سخنگوی وزارت خارجه ایران از تدوین شیوه‌نامه‌ای جدید برای ادامه همکاری تهران با آژانس خبر داده است. اسماعیل بقایی رسما از آغاز فرآیند طراحی سازوکاری تازه برای همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خبر داد. هدف از تدوین این شیوه‌نامه، تعیین چارچوب همکاری‌ها و حدودوثغور آن است. اکثر رسانه‌های آمریکایی و اروپا درصدد هستند این موضع‌گیری را مصداق بازگشت ایران به مناسبات قبلی خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (در سطوح پادمانی و فراپادمانی) تلقی کنند. بااین حال چنین موضوعی اساسا واقعیت ندارد. بازتعریف مناسبات به معنای بازگشت به مناسبات قبلی نیست: قاعده‌ای که در خصوص همکاری‌های ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز صادق است. دلیل این مسئله به‌اندازه‌ای واضح است که نیازی به توضیح مبسوط ندارد! رافائل گروسی به‌عنوان مدیرکل یک سازمان بین‌المللی نه تنها قواعد تعامل حداقلی با یک کشور عضو آژانس را رعایت ننموده بلکه رسما تبدیل به مهره بازی واشنگتن و رژیم صهیونیستی در تقابل مطلق با کشورمان شده است. به عبارتی گویاتر آژانس حتی از اساسنامه خود و مندرجات سندان پی‌تی در صیانت از برنامه هسته‌ای یک کشور مستقل (ایران) عدول کرده و با ارسال سیگنال‌ها و گزارش‌های ساختگی و هدفمند تلاش مذبوحانه‌ای را در مسیر قانونی جلوه‌دادن فشارها و تهدیدات ضدایرانی کشورمان صورت داده است. آژانس از مرحله «بی‌تعهدی» عبور کرده و به مرحله «هم‌افزایی با دشمنان ایران» رسیده، تاجایی که نام گروسی را باید در کنار سیاستمدارانی مانند ترامپ و مارک روبیو به کار برد. اکنون جمهوری اسلامی ایران در یک تصمیم حداقلی و عاقلانه همکاری‌های خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تعلیق کرده و اجازه فعالیت بازرسان معلوم‌الحال این مجموعه غیرحقوقی و کاملا سیاست‌زده را در داخل خاک مقدس کشورمان نداده است. تغییر این معادله بایسته‌ها و اقتضائاتی دارد که مهم‌ترین آن‌ها پاسخگو بودن گروسی و دیگر مقامات آژانس در قبال خطاهای کاملا ارادی خود در تقابل با نظام و ملت ماست. قطعا مناسبات ایران و آژانس باید براساس یک الگوی جدید بازتعریف و بازطراحی شود اما این روند هرچه باشد با آنچه قبل از حمله وقیحانه رژیم صهیونیستی و آمریکا به کشورمان رخ می‌داد متفاوت خواهد بود. گروسی باید در روزهایی که مشغول رایزنی‌های پشت پرده با مقامات کاخ سفید و تل‌آویو در پرونده‌سازی‌های وقیحانه برای کشورمان و زمینه‌سازی برای تشدید تحریم‌ها و تهدیدات دشمنان قسم‌خورده کشورمان بود فکر این لحظه را می‌کرد. ما مسئول خبط گروسی نیستیم!

نکته

اختلافاتی که به‌سادگی حل نمی‌شود!

گذشت نیم قرن از روابط پکن و اروپا منجر به تثبیت روابط این دو نشده و بالعکس سایه منازعات بالقوه و بالفعل را بر مناسبات طرفین سنگین‌تر ساخته است. پنجاه سالگی برقراری مناسبات، درواقع باید دلیلی برای جشن گرفتن باشد. اما سران اتحادیه اروپا با حال و هوای جشن به دیدار سران چین نرفته‌اند، چراکه با میزبان اختلاف نظر دارند! شی جین پینگ، رئیس حزب و دولت چین، در آغاز نشست یک روزه اتحادیه اروپا و چین در پکن، از آنتونیو کوشتا، رئیس شورای اروپا و اورزلا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا استقبال کرد. فون در لاین پس از رسیدن به پکن در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) نوشت: «این نشست فرصت پیشرفت و بازتنظیم روابط ماست.» به گفته رئیس کمیسیون اروپا چین و اروپا باید نگرانی‌های متقابل خود را جدی گرفته و «راه‌حل‌های واقعی» ارائه دهند. اما در ماورای تعارفات دیپلماتیک فعلی شاهد بسط دغدغه‌های راهبردی چین و اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل و از آن مهم‌تر، تعارض این دغدغه‌ها و منافع با یکدیگر هستیم. اروپا در بسیاری از موارد اختلافی با چین، خود را متغیری مستقل قلمداد نمی‌کند و بازی در زمین واشنگتن را نسبت به عقلانیت راهبردی ترجیح می‌دهد. پکن نیز بارها در مواضع پنهان و آشکار خود اروپا را مسئول استمرار بسیاری از بحران‌های خودساخته (از سوی غرب) در نظام بین‌الملل قلمداد کرده است. علاوه بر آنچه ذکر شد، عضویت ۲۸ کشور اروپایی در پیمان ناتو سبب شده تا چین نسبت به تحرکات دوسوی آتلانتیک (آمریکا-اروپا) در حیاط خلوت و محیط پیرامونی خود گارد بسته‌ای اتخاذ کند. مصادیق این اختلافات عمیق خود را در برهه کنونی نشان داده است. کمی پیش از نشست، اتحادیه اروپا در بسته تحریم‌های خود علیه روسیه، شرکت‌های چینی را نیز هدف قرار داد. چین اما همچنان از مسکو حمایت می‌کند. به گفته مسئولان اتحادیه اروپا، چین حدود ۸۰ درصد کالاهایی را که روسیه به صورت غیرنظامی یا نظامی استفاده می‌کند، تأمین می‌کند. درخواست اروپائیان از پکن این است که در راستای تقویت پیوند استراتژیک و اقتصادی خود با اروپای واحد از حجم و کیفیت روابط خود با روسیه بکاهد! درخواستی که اساسا برای پکن قابل پذیرش نیست. در مقابل نسل جدید کمونیست‌های پکن از اتحادیه اروپا خواسته‌اند تا به بازی ضد چینی خود در زمین ایالات متحده آمریکا پایان دهد و در منازعات کنونی و آتی تبدیل به مهره‌های بازی واشنگتن در تقابل مطلق با آن‌ها نشوند. بدیهی است که اروپائیان به سبب ریل‌گذاری نادرست و خطرناک خود (خصوصا طی دو دهه اخیر) عملا تن به چنین مطالبه‌ای نمی‌دهند. در چنین شرایطی خروجی نشست مشترک اخیر پکن و بروکسل چیزی جز چند عکس یادگاری نبوده است!

گفت‌وگو

دکتر دینا سلیمان، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه باندونگ اندونزی در گفت‌وگو با «رسالت»:

دشمنان به اشغال غزه بسنده نمی‌کنند

استاد روابط بین‌الملل دانشگاه باندونگ اندونزی تأکید کرد: «دشمنان صهیونیستی و آمریکایی هرگز به اشغال نوار غزه کفایت نمی‌کنند و درصدد تسلط بر جهان اسلام هستند.» دکتر دینا سلیمان در گفت‌وگو با «رسالت» اظهار داشت: «اهداف ترسیم شده در اتاق فکر و فرمان رژیم صهیونیستی و آمریکا نشان می‌دهد که دشمنان امنیت منطقه هرگز به اشغال غزه اکتفا نکرده و درصدد گسترش دامنه اشغالگری و توحش خود هستند. فلسطین تنها گام اول است.

گام‌های بعدی لبنان، عربستان سعودی، عراق و سایر کشورهای اسلامی خواهد بود. بنابراین، باید کاملا آگاه باشیم که آن‌ها به نام دین و کتاب مقدس خود، که اکنون مورد حمایت کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده است، چه اهداف و خواسته‌هایی دارند.

باید رصد هوشمندانه و مستمری در قبال نقشه دشمن داشته باشیم و اجازه تحقق آن را ندهیم.» این استاد دانشگاه افزود: «حمایت جهان اسلام از مسئله غزه باید ابعاد گسترده‌تری پیدا کند. این یک الزام راهبردی و جمعی در مواجهه با توطئه‌های مستمر دشمنان صهیونیستی و آمریکایی محسوب می‌شود.»

جلسه هماهنگی برگزاری مراسم پیاده روی دلدادگان حسینی در شهرداری کهریزک برگزار شد

با هدف ارائه خدمات مطلوب به زائران حسینی(ع)، جلسه هماهنگی برگزاری مراسم پیاده روی دلدادگان حسینی(ع) در شهرداری کهریزک برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی شهرداری کهریزک، این جلسه به ریاست علی کلهر، شهردار و با حضور معاونین و مدیران واحدهای مختلف با محوریت هماهنگی‌های لازم برای برگزاری باشکوه مراسم پیاده‌روی جاماندگان اربعین حسینی (ع) برگزار شد؛ مراسمی که همه ساله از آستان مقدس امامزادگان واجب‌التکریم ابراهیم و اسماعیل (ع) در کهریزک آغاز شده و خیل عظیم عاشقان اهل بیت(ع) با پای پیاده به سمت کربلای ایران آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در شهرری حرکت می‌کنند.

علی کلهر، شهردار کهریزک در این جلسه ضمن تأکید بر جایگاه ویژه این حرکت مردمی در تقویت فرهنگ دینی و حسینی گفت: اربعین نماد اتحاد بین شهروندان، مسئولان و نهادهای جامعه است و ما وظیفه داریم با بکارگیری تمام امکانات و ظرفیت های خود در برگزاری این رویداد بزرگ مذهبی حضور فعال داشته باشیم.

شهردار کهریزک با اشاره به تجربیات سال‌های گذشته اظهار داشت: برنامه ریزی‌های لازم برای برپایی چندین موکب خدماتی و پذیرایی در مسیر حرکت زائران انجام شده است و همچنین در پایان مراسم نیز وسیله ایاب و ذهاب برای بازگشت زائران آماده خدمت رسانی می باشد.

وی افزود: با توجه به این که شهر کهریزک مبدأ این حرکت بزرگ معنوی است، انتظار می‌رود با تعامل همه جانبه معاونت‌ها و واحدهای شهرداری، زمینه برگزاری هرچه باشکوه‌تر این مراسم مذهبی را فراهم نماییم.

در پایان این نشست، حاضرین در جلسه ضمن ارائه دیدگاه‌ها، پیشنهادها و دغدغه‌های خود به منظور ارائه خدمات مطلوب به زائران، در خصوص موضوعاتی همچون افزایش سطح ایمنی مسیر راهپیمایی، تأمین تجهیزات مورد نیاز موکب‌ها، برنامه ریزی برای خدمات بهداشتی و رفاهی، هماهنگی با نهادهای انتظامی و امدادی و همچنین اطلاع رسانی گسترده‌تر به شهروندان به بحث و تبادل نظر پرداختند.

وزارت راه و شهرسازی
شرکت مادر تخصصی
ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور

نوبت اول

آگهی تملک

* بخش باغ حلی

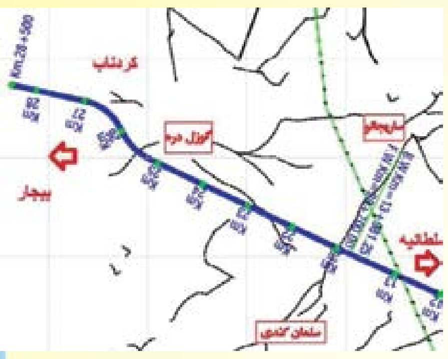

شرکت مادر تخصصی ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور - وزارت راه و شهرسازی - به استناد لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای محترم انقلاب، قصد تملک اراضی و املاک براساس نقشه تائید شده در شهرستان سلطانیه * روستاهای سلمان کندی، گوزلدره و کردناب واقع در حدفاصل کیلومتر ۲۰+۰۰۰ الی ۲۸+۵۰۰ از مسیر طرح راه‌آهن قطعه یک اتصال زنجان - تبریز به همدان - سنندج از مسیر بیجار طبق کروکی روبه رو را دارد.

لذا از کلیه مالکین اراضی و املاک محدوده فوق الذکر از تاریخ نشر این آگهی دعوت به عمل می‌آید حداکثر ظرف ۳۰ روز با در دست داشتن مدارک مثبته مالکیت جهت انجام مراحل تقویم بهاء، نقل و انتقال و دریافت بهای املاک مزبور به آدرس: زنجان مجتمع ادارات، جنب آزمایشگاه پزشک قانونی، شرکت مادر تخصصی ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور در استان های زنجان و قزوین مراجعه نمایند.

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۵/۱۵
خ ش ۱۴۰۴/۵/۱۵

شرکت مادر تخصصی ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور

مناقصه عمومی یک مرحله ای

فراخوان مناقصه اجرای آسفالت معابر دهیاری قوام‌آباد از توابع شهرستان رفسنجان در نظر دارد فراخوان مناقصه اجرای آسفالت کوچه های سیدالشهدا (ع) به متراژ ۸۰۰۰ متر (قیر مصرفی) و ۳۵۰۰ به صورت آزاد به شماره سیستمی ۲۰۰۴۱۱۲۹۰۲۰۰۰۰۰۱ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۴/۵/۱۹ ساعت ۷
- مهلت دریافت اسناد فراخوان ۱۴۰۴/۵/۲۲ ساعت ۱۹
- مهلت ارسال پیشنهادات ۱۴۰۴/۶/۱ ساعت ۱۹
- زمان بازگشایی پاکتها ۱۴۰۴/۶/۳ ساعت ۱۲
- اطلاعات تماس ۰۹۱۶۲۰۹۱۳۸۱

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۵/۱۵
خ ش ۱۴۰۴/۵/۱۵

دهیاری قوام آباد

معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن

جمهوری اسلامی ایران
وزارت صنعت، معدن و تجارت

آگهی مزایده

بسته سرمایه گذاری معادن استان اردبیل مرداد ماده ۱۴۰۴

شماره مزایده ۵۰۰۴۰۰۰۱۹۱۰۰۰۰۰۱

اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان با ارائه بسته سرمایه گذاری معادن، در نظر دارد نسبت به برگزاری مزایده یک مرحله ای در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) با ۱ بسته سرمایه گذاری محدوده‌های معدنی به آدرس www.setadiran.ir اقدام نماید. متقاضیان می توانند از ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۵/۱۵ لغایت ساعت ۱۹ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۶/۱۰ جهت دریافت اسناد و تا ساعت ۱۳ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۷/۵ نسبت به ارائه قیمت در سامانه ستاد اقدام نمایند. زمان بازگشایی پاکتها و اسناد مزایده روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۷/۶ راس ساعت ۱۰ صبح در محل اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان می باشد. متقاضیان شرکت در مزایده می بایست نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد ایران و تهیه گواهی امضای الکترونیکی (توکن) از دفاتر منتخب پیشخوان دولت اقدام و در مزایده به صورت الکترونیکی از درگاه سامانه مذکور شرکت نمایند. متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر درخصوص این سامانه می توانند با شماره تماس ۴۱۹۳۴-۰۲۱ پشتیبانی سامانه ستاد ایران تماس حاصل نمایند. متقاضیان می بایست تمامی مدارک مورد نیاز را با امضا دیجیتال و از طریق سامانه ستاد ایران بارگذاری و ارسال نمایند و مدارک کاغذی فقط (پاکت الف که فقط حاوی فیش یا ضمانتنامه شرکت در مزایده خواهد بود) به دبیرخانه حراست این اداره کل حداکثر تا روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۷/۵ به صورت فیزیکی تحویل گردد. ضمنا اخذ صلاحیت فنی و مالی مطابق آخرین شرایط اعلامی وزارت متبوع الزامی است و نقشه محدوده‌ها براساس کد شناسایی کاداستر مندرج در لیست مزایده، در سامانه کاداستر معادن به نشانی https://cadastre.mimt.gov.ir در قسمت نقشه معادن قابل مشاهده می باشد شایان ذکر است به پیشنهادات خارج از سامانه ستاد در زمان بازگشایی ترتیب اثر داده نخواهد شد.

دریافت اسناد از سامانه ستاد ایران (خرید اسناد به صورت رایگان از سامانه ستاد ایران در این بازه زمانی الزامی است) ۱۴۰۴/۵/۱۵ لغایت ۱۴۰۴/۶/۱۰

بارگذاری اسناد مزایده در سامانه ستاد ایران: ۱۴۰۴/۶/۱۱ لغایت ۱۴۰۴/۷/۵

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۵/۱۵
خ ش ۱۴۰۴/۵/۱۵

معاونت امور معادن اداره کل صنعت و معدن و تجارت استان اردبیل

معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن معدن